



# شهادت مزد راست قامتان تاریخ

• روح‌الله فریس آبادی

سال ۱۳۲۵ یعنی در هجدهمین بهار زندگی خود به قم عزیمت کرد و در کنار تحصیل علوم دینی، در سال ۱۳۲۷ موفق به دریافت دیپلم ادبی در امتحانات متفرقه شد. در همان سال، وارد دانشکده الهیات معقول و منقول شد و در سال ۱۳۳۰ با دریافت درجه لیسانس به قم بازگشت و در دبیرستان حکیم نظامی مشغول تدریس زبان انگلیسی شد. در سال ۱۳۳۱ ازدواج نمود که حاصل این پیوند، دو پسر و دو دختر بود. وی در سال ۱۳۳۳، دبیرستان دین و دانش قم را تأسیس نمود و تا سال ۱۳۴۲ سرپرستی آن را برعهده داشت. در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۸، دوره دکتری فلسفه الهیات را گذراند سپس، با شرکت فعال در مبارزات سال‌های ۴۱ و ۴۲ از سوی ساواک مجبور به عزیمت از شهر قم به تهران گردید. این شهید راست قامت تاریخ به پیشنهاد و درخواست آیت‌الله حائری رحمته و آیت‌الله میلانی رحمته به هامبورگ عزیمت و سرپرستی مسجد و تشکل مذهبی جوانان آن شهر را عهده‌دار و به فعالیت‌های عمیق دینی و فرهنگی پرداخت. در طی این مدت سفرهایی به عربستان، سوریه، لبنان، ترکیه و عراق

انفجار حزب جمهوری اسلامی ایران، که در شامگاه هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به وقوع پیوست، یکی از تلخ‌ترین حوادث ناگوار پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود، در این تراژدی، انسانی وارسته از تبار ابراهیم علیه السلام، آیت‌الله سید محمدحسین حسینی بهشتی و ۷۲ تن از یاران عزیز و گرانمایه انقلاب اسلامی توسط منافقان کوردل به شهادت رسیدند. در اینجا به بهانه گرامیداشت آن خاطره اسفانگیز به شرح حال مختصری از سیدالشهداء این حادثه می‌پردازیم.

□ از تولد تا شهادت:

شهید سید محمدحسین بهشتی در دوم آبان ۱۳۰۷ هجری شمسی در اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش از روحانیان اصفهان و امام جماعت مسجد لومبان بود. وی از چهار سالگی به مکتب رفت و در اندک زمانی قرائت قرآن و خواندن و نوشتن را آموخت و با ورود به دبیرستان به دلیل علاقه به تحصیل علوم دینی، مدرسه را رها و در سال ۱۳۲۱ وارد حوزه علمیه شد. به



(به منظور دیدار امام علیه السلام) انجام داد.

سرانجام در سال ۱۳۴۹، به ایران بازگشت و به فعالیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی روی آورد. در این مدت، چندین بار توسط ساواک دستگیر و روانه زندان شد. در آذرماه ۱۳۵۷ به فرمان امام خمینی علیه السلام شورای انقلاب را تشکیل داد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره به عنوان ایدئولوگ و لیدر در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی به فعالیت می‌پرداخت. حزب جمهوری اسلامی را با هدف تربیت و شناسایی نخبگان سیاسی فرهنگی پایه‌گذاری نمود. در تدوین قانون اساسی به عنوان نایب رئیس مجلس خبرگان ایفای نقش می‌کرد. پس از استعفای دولت موقت در سال ۱۳۵۸، مدتی به عنوان

وزیر دادگستری و سپس، از سوی امام خمینی علیه السلام به ریاست دیوان عالی کشور منصوب گردید. وی سرانجام در حین انجام وظیفه در این سمت بود که در شامگاه ۷ تیر سال ۱۳۶۰ در حین سخنرانی در تالار حزب جمهوری اسلامی بر اثر انفجار ساختمان حزب توسط منافقین به همراه کاروان ۷۲ نفره خود به خیل عظیم شهدای کربلا پیوست.

از پیام امام خمینی علیه السلام به مناسبت شهادت شهید بهشتی: ملت ایران در این فاجعه بزرگ ۷۲ تن بی‌گناه به عدد شهدای کربلا از دست داد.

شهید بهشتی از منظر مقام معظم رهبری: بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد؛ به خاطر این‌که در دوران زندگی‌اش کسی به عمق و والایی شخصیت این مرد پی نبرد. شهید بهشتی واقعاً یک انسان برجسته‌ای بود در همه ابعاد.

شهید بهشتی به روایت دوستان: او مثل همیشه، با تبسمی بر لب، پیش از غروب به دفتر

مرکزی حزب جمهوری آمد و در جلسه اعضای حزب شرکت کرد. پس از پایان جلسه، آوای روح‌بخش اذان در دفتر طنین‌انداز شد و همه وضو گرفتند و برای نماز آماده شدند. نماز جماعت به امامت آیت‌الله بهشتی برپا شد و عده‌ای از وزرا و نمایندگان مجلس در آن شرکت کردند. گویند: «آن شب نماز جماعتش از همه شب‌ها طولانی‌تر بود و اصرار بچه‌ها هم بسیار بود که می‌خواهیم پشت سر تو نماز بخوانیم و نماز در حیاط دفتر حزب بود. عکاس آمد و از آن نماز عکس یادگاری گرفت.» پس از نماز، همه به سالن رفتند تا جلسه را که پیرامون انتخاب آینده ریاست جمهوری بود، برگزار کنند، چون یک هفته از خلع بنی‌صدر از مقام ریاست جمهوری، توسط مجلس شورای اسلامی می‌گذشت. جلسه با قرائت قرآن که روح‌ها را با ملکوت پیوند داد، آغاز شد و پس از تلاوت قرآن، سخنرانی قافله سالار شهدای هفت تیر شروع شد. ساعت حدود ۹ و هفت دقیقه بود که ناگهان سفیر مرگ آنان را با خود به ملکوت اعلی برد و او یارانش چنین به خیل راست‌قامتان تاریخ پیوستند.

ای نخل بلند استقامت

وی گنج حقیقه کرامت  
ای دشمن هر چه ظلم و پستی  
(مظلوم، چه سان شده است نامت؟!)  
صبر از تو ره صبوری آموخت  
علم از تو گرفته صد علامت  
رویت سخن (بهشت)، گوید  
غلمان شده کمترین غلامت  
نام تو فروغ دیده و دل  
یاد تو خجسته‌تر ز نامت  
ای جلوه جنت ای مطهر  
دارد ز تو صد نشان پیامت  
(ای سرو به قامت چه نازی،  
قامت بنگر بین قیامت  
نشکست بلند قامت تو  
بس دیده‌ای از خسان ملالت!

